گپی با بازیگران مجموعه تلویزیونی «لیسانسه‌ها» به بهانه پایان فصل دوم این سریال

لیسانسه‌ها از طنز تا سرطان

محبوبه ریاستی

در دنیای امروز خندیدن و شاد بودن آن هم با این همه گرفتاری و دغدغه قطعا کار راحتی نیست و به‌تبع آن خنداندن هم سخت‌تر از خندیدن است، اما عده‌ای از هنرمندان به وفقه می‌توانند لبخند را به دیگران هدیه بدهند. سروش صحت یکی از این هنرمندان است که بسیار خوب ژانر طنز را می‌شناسد و مخاطب را با خود همراه می‌کند. او باساخت سریال «لیسانسه‌ها» توانست حال خیلی از مخاطبانش را خوب کند و چند ساعتی آنها را از فضای شلوغی که دارند دور نگه دارد. در این گزارش گفت‌وگوهایی را با بازیگران این سریال دوست‌داشتنی می‌خوانید که خالی از لطف نیست. هوتن شکیبا، بازیگر نقش حبیب در سریال لیسانسه‌هاست که به خوبی هم از عهده این نقش برآمده است و بسیار روان‌بازی می‌کند. او سابقه‌بازی در تئاتر را نیز دارد. از دیگر کارهای دوست‌داشتنی شکیبا صداپیشگی در مجموعه کلاه قرمزی است. او حبیب را این‌گونه روایت می‌کند.

سلامت: از چه زمانی وارد دنیای تصویر شدید؟

من تصویر را اولین بار که دبیرستانی بودم، تجربه کردم. آن موقع یک فیلم کوتاه برای جشنواره دوربین‌های خانگی ساختم. بعد هم در دانشگاه در چند فیلم کوتاه بازی کردم. آخرین فیلم کوتاهی که بازی کردم به کارگردانی سعید روستایی به نام «خیابان خیلی خلوت» بود.

سلامت: چگونه بازیگر سریال لیسانسه‌ها شدید؟

سروش صحت، تئاتر خیلی زیاد می‌دیدند و خیلی از اجراهای من را هم دیده بودند و حتی ما در نمایش «آوازه خوان طاس» با هم همبازی بودیم. در این سال‌ها در کارهای مختلفی برای بازی از من دعوت می‌کردند که متاسفانه تداخل در اجراهای من وجود داشت که در نهایت نتوانستم در این سریال با ایشان همکاری کنم.

سلامت: هنوز تئاتر را دوست دارید؟ آن هم بعد از بازی در تلویزیون؟

بله، صددرصد، من هنوز هم تئاتر کار می‌کنم و به آن عشق می‌ورزم.

سلامت: چه تفاوتی بین تئاتر و تلویزیون است؟

به نظرم تئاتر خیلی سخت‌تر است، به‌دلیل اینکه زنده اجرا می‌شود، ولی اگر در تصویر تولیدی خطایی صورت بگیرد، قطع می‌شود و دوباره از ابتدا آن صحنه گرفته می‌شود. هر دو سختی‌های خاص خودشان را دارند؛ یعنی این‌گونه نیست که من بگویم در تلویزیون بازی می‌کنم، راحت‌تر است و اگر در تئاتر بازی کنم، سخت‌تر است. مهم کیفیت کاری است که هنرمندان در هر حوزه انجام می‌دهند؛ چه در سینما، چه در تئاتر و چه در رادیو و تلویزیون. به هر حال خوب بازی کردن سخت است.

سلامت: کار با آقای صحت چگونه بود؟

سروش صحت را به شخصه خیلی دوست دارم، ولی خب بحث کار و رفاقت همیشه جداست. زمانی که فیلمنامه را خواندم در مرحله اول کاملا با نقش همراه شدم و سپس با ایشان صحبت‌های زیادی داشتم تا بتوانم نقش را مال خودم کنم، برای اینکه دوست داشتم مخاطب او را باور کند.

سلامت: به نظر شما نقطه اوج این قصه کجاست؟

از لحاظ قصه‌ای نمی‌توانم بگویم چون هر کدام از شخصیت‌ها برای خودشان پستی و بلندی دارند، ولی برایم ترکیب غم و شادی است که در عین حال که خیلی غمگین هستیم، سر به سر هم می‌گذاریم و خیلی سرخوشیم. بعضی مواقع فکر می‌کنم خیلی از ما این‌گونه هستیم. به نظرم خیلی ویژگی خوبی است و یکی از راه‌های من برای مبارزه با مشکلات همین ویژگی است. یعنی بعد از یک مدت که مشکلی پیش می‌آید، البته سعی می‌کنم حلش کنم، ولی در روند حل کردنش یک مقدار شکل هم به آن می‌دهم تا مشکلات را در ذهنم کمی فانتزی ببینم و خیلی از آنها نترسم و بتوانم آن را به درستی حل کنم.

سلامت: خیلی از جوان‌ها دغدغه ازدواج دارند. به نظرتان چگونه می‌توان این دغدغه را در آنها کمتر کرد؟

متاسفانه امروزه ازدواج به موضوعی پیچیده و سخت در جامعه ما تبدیل شده است، اما هر چه شناخت بیشتر باشد، تفاهم بین دختر و پسر هم بیشتر خواهد شد. ازدواج انسان را به مرحله جدیدی از زندگی سوق می‌دهد. به همین دلیل باید از مشورت دیگران استفاده کنیم تا انتخابی درست داشته باشیم.

امیر کاظمی: نگاه تازه‌ای به سرطان داشتیم

امیر کاظمی، بازیگر نقش مازیار در سریال لیسانسه‌ها بود. این بازیگر دوست‌داشتنی به خوبی توانست از عهده این نقش بربیاید و با همه سختی‌های کار آن را برای مخاطبش دلنشین کند. او از مازیار این‌طور گفت.

سلامت: چطور وارد دنیای بازیگری شدید؟

همیشه هدف من در زندگی این بود که بازیگر شوم، اما راه ورود به بازیگری عجیب و غریب است. مثلا ما هر سال کلی فارغ‌التحصیل رشته بازیگری و کارگردانی از دانشگاه‌ها داریم، اما می‌بینیم مثلا در همین حوزه کارگردان‌های خانم، شاید تعداد کسانی که در این زمینه به‌طور حرفه‌ای مشغول به کار هستند، به اندازه انگشت‌های یک دست هم نباشد که دلیل آن حرفه‌ای نبودن این افراد نیست، بلکه معمولا شانس حضور در کارهای جدی و قابل دیدن را پیدا نمی‌کنند. به هر حال این شانس به لطف خانم برومند سراغ من آمد و همچنین کمک‌های فرهاد آییش تا بتوانم وارد این حرفه شوم.

سلامت: راه بازیگری را بعد از «همه بچه‌های من» چطور ادامه دادید؟

وقتی قسمت اول سریال «همه بچه‌های من» پخش شد، بیژن بیرنگ برای یک کار با من تماس گرفتند. وقتی آنجا مشغول کار بودم و هنوز فیلمبرداری تمام نشده بود، از دفتر حمید نعمت... پیشنهاد «وضعیت سفید» به من شد.

فکر می‌کنم دلیل به وجود آمدن این مسیر برای من این بود که آن زمان تلویزیون هنوز بیننده خودش را داشت و آدم‌هایی که در کارهای هنری فعالیت می‌کردند، حداقل هنوز تلویزیون می‌دیدند و آن سال‌ها این شانس را داشتم که توسط آدم‌های درستی دیده شوم. شانس در کار هنری و بازیگری ایران خیلی مهم است؛ گاهی افرادی از خودم خوش‌شانس‌تر می‌بینم و گاهی افرادی با هنر و توانایی خیلی بیشتر که اصلا شانس ندارند.

سلامت: چگونه با سروش صحت آشنا شدید؟

من همیشه سروش صحت را دوست داشتم و دلم می‌خواست با او کار کنم. قبل از ساخت شمعدانی یک روز دستیار آقای صحت با من تماس گرفت و گفت پیمان قاسم‌خانی تو را برای کار جدید سروش صحت معرفی کرده است. خیلی هیجان‌زده شدم و اصلا نمی‌دانستم پیمان قاسم‌خانی من را از کجا می‌شناسد. تا اینکه به دفتر آقای چگینی رفتم و متوجه شدم وقتی پیشنهادهایی را برای نقش سعید

می‌دادند، پیمان قاسم‌خانی گفته: «آن پسری که در «وضعیت سفید» بازی می‌کرد را پیدا کنید». وقتی با آقای صحت صحبت کردم، متوجه شدم چقدر سلیقه کمدی ما به هم نزدیک است و همکاری ما شکل گرفت. حتی در همان اوایل فیلمبرداری پیشنهاد «لیسانسه‌ها» هم به من داده شد. تا وان انتظار برای «لیسانسه‌ها» را هم دادم چون ۱/۵ سال هیچ کاری انجام ندادم تا این سریال شروع شود.

سلامت: در بعضی نقدها به «لیسانسه‌ها» گفته‌اند چرا در سریال «لیسانسه‌ها» با وجود سرطان و شیمی‌درمانی مازیار اصلا تغیری در وزن و اندامش به وجود نمی‌آید؟

طبق مشاوره‌هایی که از مرکز دهش‌پور و دکتر متخصص سریال می‌گرفتیم، متوجه شدیم بیماران سرطان لنف، نه‌تنها لاغر نمی‌شوند، بلکه چاق می‌شوند، به این دلیل که نباید تحرک داشته باشند و باید مدام به خودشان رسیدگی کنند و این حالت باعث اضافه وزن در آنها می‌شود. از طرفی، سرطان‌های روده و معده باعث لاغری مفرط مبتلایان می‌شود.

سلامت: بازی در نقش بیمار مبتلا به سرطان چقدر سخت بود؟

به هر حال مشکلات خودش را داشت، ولی دکتر رضایی که به‌عنوان مشاور با ما همکاری داشتند برای درست ایفا کردن این نقش خیلی به من کمک کردند.

مادلمان می‌خواست به بیمار سخت و صعب‌العلاج از منظری دیگر نگاه کنیم؛ منظری که برای مخاطب شیرین باشد، نه تلخ. از طرفی، شخصا دوست نداشتیم خانواده‌هایی را که به نوعی با این مساله درگیرند، ناراحت و دلگیر کنیم. به همین دلیل از یک انکولوژیست مشاوره گرفتیم و ایشان هم راهنمایی‌های خوبی به ما کردند. به هر حال و درنهایت بر ترس‌هایمان غلبه کرده و سعی کردیم روی دیگری از بیماری سرطان را به مخاطبانمان نشان بدهیم.

من مدتی هم به بیمارستان دهش پور رفتم تا با روند شیمی‌درمانی بیماران مبتلا به سرطان از نزدیک آشنا شوم. راستش اوایل فکر می‌کردم این مساله باعث می‌شود «مازیار» برای مخاطبانش تا حدودی حس دافعه داشته باشد و از این بابت خیلی نگران بودم، ولی بعد دیدم که نه‌تنها این‌طور نشده، بلکه حس همدردی و همدلی و همدلت‌پنداری مخاطبان با این شخصیت بیشتر هم شده و این مساله خیلی برایم جذاب است.

سلامت: در مشاهدات بیمارستانی خودتان به چه یافته‌هایی رسیدید؟

متاسفانه بیشتر بیماران که من زیر نظر گرفتم، از نظر روانی حال خوبی نداشتند و بعضی‌ها حتی امید به زندگی را از دست داده بودند و این مساله خیلی برایم دردناک بود.

امیرحسین رستمی: فیلمنامه جذاب روی کاغذ خودش را نشان می‌دهد

امیرحسین رستمی در سریال لیسانسه‌ها نقش مسعود را بازی می‌کرد. او به خوبی از عهده این نقش برآمد و توانست مخاطبش را جذب کند. البته سال‌هاست که رستمی در این حرفه مشغول به کار است و همیشه هم موفق بوده است.

سلامت: چه شد که بازیگر سریال لیسانسه‌ها شدید؟

معمولا تجربه نشان از آن دارد که فیلمنامه جذاب روی کاغذ خودش را نشان می‌دهد و من با خواندن ۵ قسمت از فیلمنامه متوجه شدم لیسانسه‌ها کاغذی توان فهمید که مخاطب عام با کدام شخصیت ارتباط بیشتری برقرار می‌کند یا کار کدام شخصیت راحت‌تر و سخت‌تر است. از این‌رو، این قالب جدید برای خودم هم هیجان‌انگیز بود. ضمن اینکه بعد از انتخاب بازیگران سریال لیسانسه‌ها متوجه شدم من باید در گروهی کار کنم که ۷۰ درصد آنها برای مخاطب عام چهره نیستند. البته همین ۷۰ درصد حتما جزو بهترین هایو داند که سروش صحت آنها را انتخاب کرده بود. در مجموع، هم نگران خوب درآمدن شخصیت مسعود بودم و هم اینکه بین او و دیگر شخصیت‌ها توازن وجود داشته باشد. البته ایمان داشتم که سروش صحت باهوش‌ترین و بهترین‌ها را انتخاب کرده، اما قبل از کلید خوردن نگران بودم که بعد از پخش و دیدن بازخورد مردمی برطرف شد.

سلامت: خودتان چقدر در پرورش شخصیت مسعود تصرف کردید؟

متن کامل بود و اگر دوستی من و سروش صحت را کنار بگذارید، ما با کار گردانی در این مجموعه طرف بودیم که دیکتاتور-دموکرات است. دموکرات از این لحاظ که می‌شنود و دیکتاتور از این نظر که همانی را که خودش می‌خواهد، انجام می‌دهد. می‌خواهم بگویم سروش صحت به پیشنهادها گوش می‌دهد، اما همان کاری را انجام می‌دهد که خودش فکر می‌کند درست است. البته به حرف‌های من درباره بخش‌های مختلف سریال غیر از شخصیت مسعود گوش می‌دهد و موافقت هم می‌کند، اما درباره شخصیت مسعود فقط نظر خودش را اعمال می‌کند.

سلامت: شما تجربه بازی در سریال‌های جدی و طنز را دارید. به کدام یک از آنها علاقه‌مند هستید؟

متن و کارگردان برایم اهمیت دارد. اگر هر دوی این موردها قوی باشند و یکی درام و دیگری کمدی باشد، حتما کمدی را انتخاب می‌کنم چون حالم با بازی در یک کار کمدی بهتر می‌شود. ضمن اینکه گریاندن مردم کار راحتی است و خنداندن آنها سخت!

سلامت: سریال لیسانسه‌ها در یک نگاه؟

به نظرم سریالی است که توانسته با مردم ارتباط برقرار کند و جنس طنزش به‌هیچ‌وجه لودگی ندارد. قصه شخصیت‌های این سریال هرگز دور از ذهن نیستند.

سلامت: فکر می‌کنید بزرگ‌ترین معضل جوانان امروز چیست؟

خیلی موارد؛ از بیکاری گرفته تا مشکلات معیشتی و حتی ازدواج. به نظرم زندگی آن هم بدون شغل و درآمد خیلی سخت است و نتیجه آن چیزی جز افسردگی نیست. ما می‌خواستیم در این سریال معضلات اجتماعی را نشان دهیم و اینکه وقتی جوانی سال‌ها درس می‌خواند قطعا حق مسلمش این است که کار کند و درآمد داشته باشد. به هر حال امروزه پیدا کردن کار بسیار سخت است.

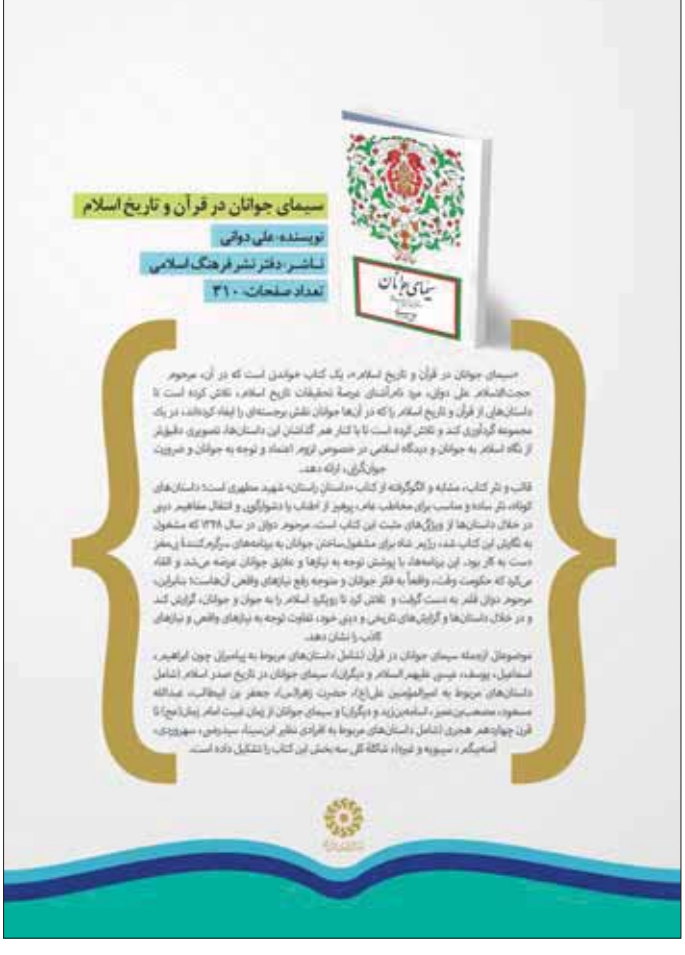

لیسانسه‌ها؛ فراتر از کلیشه‌ها

دکتر حامد محمدی کنگرانی
روان‌پزشک

در سریال لیسانسه‌ها نکات مثبت زیادی وجود دارد چون این سریال توانست با مطرح کردن مشکلات جوانان آن هم بدون اغراق و سیاه‌نمایی مسائل مهمی را مطرح کند؛ از بیکاری گرفته تا مشکلاتی از قبیل ازدواج و حتی اعتیاد. در وهله اول باید بگویم به نظرم هرچه سطح تحصیلات جوان‌ها بالاتر می‌رود، سطح توقعات و خواسته‌هایشان هم بالاتر می‌رود و احساسی که از سر کوب این توقعات به آنها دست می‌دهد، باعث افزایش سطح نارضایتی آنها می‌شود. این مساله به‌ویژه میان خانم‌ها شایع‌تر است. واقعیت این است که خیلی از آنها بدون هیچ انگیزه و دلیل مشخصی به تحصیلات خود ادامه می‌دهند و مدارج علمی خود را بدون اینکه زمینه بروز مناسبی داشته باشد، بالاتر می‌برند. به نظرم این تحصیل بی‌دلیل اصلا قابل توصیه نیست و حتی به افزایش میزان نارضایتی آنها منجر می‌شود. به همین دلیل توصیه می‌کنم حتما با دلیل و انگیزه به تحصیل بپردازید. نکته دیگر در مورد شخصیت‌های این سریال بیماری مازیار بود. در حال حاضر برخی خانواده‌ها با بیماری سرطان دست به گریبان هستند و سروش صحت توانست خیلی خوب این بیماری را معرفی کند و همین طرز برخورد با یک فرد مبتلا به سرطان را. اینکه نباید خیلی به این افراد حس ترحم داشته باشیم و تنها باید با آنها همدل شویم. بعد از آن مساله اعتیاد به خوبی در این کار روایت شده بود. به هر حال امروزه می‌دانیم که اعتیاد یک نوع بیماری است و فردی که اعتیاد دارد هم از لحاظ روانی و هم از لحاظ جسمی دچار مشکل است و در این سریال نقش فرد معتاد به خوبی به تصویر کشیده شده بود.

من معتقدم باید به فرد معتاد کمک کرد و به او اعتماد داشت، همان‌طور که در آخر دیدیم بالاخره فرد معتاد دوباره به زندگی برگشت. همچنین زندگی پس از ازدواج دوباره اصلا کار سختی نیست، درست مثل پدر و مادر مازیار که یک بار دیگر با یکدیگر ازدواج کردند.

اتفاقا شاید در این شرایط دیگر خطاهای گذشته تکرار نشود. از طرفی، در مورد حبیب باید بگویم او شخصیتی داشت که دچار کمبود اعتماد به‌نفس بود و همه چیز را در ازدواج می‌دانست و همه هدف او در زندگی ازدواج بود که البته این نگاه اصلا درست نیست. فردی که به بلوغ فکری رسیده باشد می‌تواند تشکیل خانواده بدهد و همین‌طور فردی که هدف‌دار باشد و امثال افرادی مانند حبیب هیچ وقت نمی‌توانند زندگی منطقی و خوبی داشته باشند چون هدف مشخصی ندارند. در هر حال لیسانسه‌ها جزو کارهایی بود که هم دوست‌داشتنی بود و هم پر از پند و امید. امیدوارم از این کارها بیشتر در تلویزیون شاهد باشیم چون در جامعه پرتلاطم امروز به دیدن این‌گونه کارها واقعا نیاز داریم.